

گذری بر جریان روستا نویسی و مطالعات روستایی در ایران

محمد رافعی*

چکیده

جامعه روستایی در طول تاریخ ایران و تا همین اواخر بخش غالب جامعه را تشکیل می‌داد. در دوره جدید نیز اگرچه شهرنشینی گسترش یافت ولی باز بخش بزرگی از جامعه شهری جدید، روستاییانی هستند که از طریق مهاجرت و یا تبدیل روستا به شهر از جامعه روستایی جدا شده‌اند. بر این اساس تردیدی در اهمیت مطالعات روستایی باقی نمی‌ماند، حال آنکه از عمر روستا نویسی و مطالعات روستایی در ایران چندان نمی‌گذرد. در این مقاله تلاش شده تا به چگونگی پدید آمدن این جریان و نقش شاخه‌های مختلف علوم انسانی در گسترش آن پرداخته شود. لذا با توجه به آثار منتشر شده در ارتباط با روستا و طبقه‌بندی موضوعی و تاریخی آن‌ها، می‌توان استنباط کرد که روستا نویسی در دهه ۲۰ خورشیدی مطرح شد و در دهه ۳۰ با تکنوگاری‌هایی در حوزه ادبیات به‌طور جدی آغاز گردید. جامعه‌شناسی روستایی در دهه ۴۰ روند مطالعات روستایی^۱ یعنی روستا نویسی علمی - را گسترش داد و جغرافیای روستایی در ادامه به گسترش این جریان کمک کرد. در این میان آنچه

*. دانشجوی دکتری ایران شناسی، دانشگاه شهید بهشتی (بنیاد ایران شناسی).

این مقاله مستخرج از بخش کتاب شناسی و نقد منابع رساله دکتری اینجانب تحت عنوان «زندگی روزمره روستایی در ایران ۱۲۸۵-۱۳۵۷ ش.» می‌باشد.

قابل ذکر است نقش کم‌رنگ مطالعات روستایی در حوزه تاریخ است که با توجه پژوهش‌های برخی محققان جوان امید است در آینده‌ای نزدیک گسترش مطالعات تاریخی روستایی باشیم.

واژگان کلیدی: روستا نویسی، مطالعات روستایی، علوم انسانی، تاریخ‌نگاری، تک‌نگاری.

مقدمه

مطالعات روستایی - با هر رویکردی - سابقه چندانی در ایران ندارد و هنوز نوپا محسوب می‌شود. امروزه روستا را از مناظر مختلف مورد توجه قرار می‌دهند و کتاب‌ها و مجلات تخصصی بسیاری با روش‌ها و اصول خود به تحقیق پیرامون روستا می‌پردازند. اما آیا مطالعات روستایی رویکردی وارداتی است؟ یعنی به‌مانند داستان کوتاه که پس از آشنایی نویسندگان ایرانی با ادبیات غرب وارد ایران شد، مطالعات روستایی نیز تحت تأثیر مطالعات غربی در ایران مطرح شده و گسترش یافت؟ پاسخ دقیق به این سؤال کار آسانی نیست. به‌طور کلی می‌توان گفت توجه به روستا در ایران فارغ از غرب نیز شکل می‌گرفت، اما نه به آن معنا که آشنایی با اندیشه غربی هیچ تأثیری بر شکل‌گیری این جریان نداشت. طرح مطالعات روستایی به‌سان رویکردی علمی در جامعه‌شناسی و سپس جغرافیای انسانی، تحت تأثیر مطالعات غربی و پس از آشنایی محققان ایرانی با علوم روز صورت گرفت. در سوی دیگر هم‌زمان با گسترش نوسازی ناشی از اندیشه ایران مدرن، ساختار سیاسی مرکزی پی برد که چاره‌ای جز شناخت روستا ندارد. چراکه توسعه شهری حداقل در ظاهر آغاز شده بود و نوبت روستا بود تا مدرن شود. شناخت ساختار روستا و جامعه

روستایی نخستین گام در این مسیر بود و بر این اساس پژوهش‌های روستایی و روستا نگاری آغاز شد، در ادامه به این جریان می‌پردازیم.

جریان روستا نویسی و مطالعات روستایی

روستا و جامعه روستایی به‌طور جدی با ورود به قرن ۱۳ هـ ق وارد منابع مکتوب شد. از جغرافیا نویسی‌های قرون نخستین اسلامی که بگذریم^۱ چراکه نه معنای مطالعات روستایی را در برمی‌گیرند و نه به‌طور جدی به روستا پرداخته‌اند- سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان نخستین اثر جدی در این جریان به شمار می‌آید. نکته مهم اینکه خسروی ناآگاه از وجود این کتاب مطلع الشمس تألیف اعتمادالسلطنه را نخستین اثر می‌نامد و در ادامه دیگران نیز بدون تحقیق همین نظر را ادامه می‌دهند. سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان نوشته میرزا ابراهیم گزارشی است از مناطق شمالی کشور در سال‌های ۱۲۷۶-۱۲۷۷ هـ ق^۱ که برای ژنرال دُرن تهیه‌شده و اطلاعات بسیاری در مورد روستاهای آن منطقه در اختیار خواننده قرار می‌دهد. مؤلف سفر خود را از تهران شروع کرده و در مسیر از سمنان، دامغان، شاهرود، استرآباد، اشرف، ساری، بارفروش، لاهیجان، رشت، قزوین و آستارا گذشته است. کتاب موضوعاتی چون اوزان، قیمت‌ها، مسیرها و فاصله‌ها و معرفی ایلات و طوایف را در خود دارد. داده‌هایی که برای مطالعات روستایی بسیار اهمیت دارند، در ادامه چند مورد کوتاه برای مثال ذکر می‌شود.

^۱. این تاریخ را مصحح در مقدمه کتاب آورده اما نادرست می‌نماید، چراکه در متن کتاب صفحه ۱۳۶ در مورد روستای سلده آمده: «محلّه و خانه‌های سلده ... امسال که تاریخ ۱۲۷۵ است دو سال می‌باشد که میرزا آقاخان صدراعظم آبادی نموده». بر این اساس تاریخ کتابت نمی‌تواند ۱۲۷۶-۱۲۷۷ هـ ق باشد، تاریخ ۱۲۷۵ هـ ق در صفحات دیگر چون صفحه ۱۵۷ هم تکرار شده است.

«خاتون آباد ملکش یک دانگ اربابی و پنج دانگ خالصه شاهی است. اگر رعیت تخم حاصل را خودش بگذارد سه کوتی است، دو تا مال رعیت و یک حصه مال ارباب، بدین شرط که آب و زمین از ارباب باشد». (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۴) «... بعد در دو فرسخی، قریه سُرخک است که ده بزرگ می‌باشد و باغات زیادی دارد. به‌قرار ۲۸۰ خانوارند و قلعه‌چه‌ای هم دارد که از علامت و بنای قدیم است ... دکان نانوایی و رنگرزی هم دارد.» (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۱۵) «مظنه‌جات رودسر به تاریخ شهر جمادی‌الاول ۱۲۷۵ به وزن یک من شاه: برنج یک من ۳۰ شاهی، نان یک من ۳۲ شاهی، روغن یک من یک تومان، قند یک من ۱۵ قران، گوشت یک من ۱۲ عباسی، نمک یک من ۱۵ شاهی، نطف یک من ۳۰ شاهی.» (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۱۵۷) «حاکم بالاستقلال کرگان‌رود فرج‌اله خان پسر بالاخان می‌باشد که زیاد تسلط به سر رعیت دارد و بسیار جبر و تعدی به رعایا می‌رساند، و رعیت دادوبیداد دارند که به دست شداد نمرود گرفتار آمده‌ایم کسی نیست که به داد ما برسد، و پول بی‌حساب زیاد از رعیت می‌گیرد.» (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۲۱۳)

با نمونه‌هایی که ذکر شد در ارزش کتاب جای بحث نمی‌ماند. در مثال نخست به نظام سه کوتی اشاره شده که در آن آب و زمین یک عامل شناخته می‌شود.^۱ در شاهد دوم که پیرامون روستای سُرخک است به وجود نانوایی در روستایی متوسط

^۱. برخلاف تقسیم‌بندی معمول پنج‌گانه که در آن آب و زمین هرکدام یک عامل محسوب می‌شوند، البته نویسنده در اینجا به شخم اشاره نکرده که قاعدتاً با زارع بوده است.

اشاره شده که خود نکته‌ای قابل توجه است. مثال سوم از قیمت‌ها با ذکر تاریخ گزارش سخن می‌گوید و آخرین مثال گواهی است بر مسائل ساختار ارباب‌رعیتی در ایران. اثر مهم دیگر چنانکه پیش‌تر آمد مطلع الشمس تألیف اعتمادالسلطنه است که در سه جلد طی سال‌های ۱۳۰۳-۱۳۰۱ خورشیدی نگاشته شده و ترکیبی است از سفرنامه نویسی، تاریخ و جغرافیای مناطقی که در مسیر تهران به مشهد قرار دارند. نگارنده در این اثر به تاریخ اجتماعی نپرداخته، ولی در مواردی اطلاعاتی به دست می‌دهد که برای پژوهش در تاریخ اجتماعی مفید فایده است. از جمله آمار خانوار روستاها، شکل مسکن و نیز قومیت و زبان روستاییان.

پس از انتشار مطلع الشمس برای بیش از یک دهه نگارشی در باب روستا صورت نگرفت. در ادامه دو فرهنگ‌نامه مربوط به روستا منتشر شد که تا مدت‌ها مهم‌ترین منبع مطالعات روستایی محسوب می‌شدند.^۱ آغاز جدی روستا نویسی را با ابتکار جلال آل احمد شاهد هستیم. جلال سه کتاب دارد - اورازان، تات‌نشین‌های بلوک زهرا، و جزیره خارک در یتیم خلیج فارس - که گزارشی از مشاهدات او در سه نقطه‌ی روستایی است. این سه کتاب از نخستین آثار پیرامون روستا بودند و اثر نخست در سال ۱۳۳۳ منتشر گردید.

اینک برای نیل به کتابشناسی مناسب و درک درست گفتمان غالب بر مطالعات روستایی بهتر است نگاهی به کتاب‌های منتشر شده در موضوع روستا در دوره مورد پژوهش بیان‌داریم. با تقسیم‌بندی این دوران به دهه‌ها می‌توان دید کلی و روشنی نسبت به موضوع یافت.

۱. نخست «فرهنگ روستایی» که تقی بهرامی طی سال‌های ۱۳۱۶-۱۳۱۷ش. در سه جلد منتشر کرد و دیگر «فرهنگ جغرافیایی ایران» که در سال ۱۳۲۸ توسط سازمان جغرافیایی ارتش چاپ شد.

<p>۱. فرهنگ روستایی، تقی بهرامی، ۱۷-۱۳۱۶</p> <p>۲. فرهنگ جغرافیایی ایران، سازمان جغرافیای ارتش، ۱۳۲۸</p>	<p>پیش از دهه ۳۰</p>
<p>۱. تاریخ کشاورزی ایران، تقی بهرامی، ۱۳۳۰</p> <p>۲. اورازان، جلال آل احمد، ۱۳۳۳</p> <p>۳. تات نشین‌های بلوک زهرا، جلال آل احمد، ۱۳۳۷</p> <p>۴. سرنوشت فردای دهات و شهرهای ما، کاظم زرنگار، ۱۳۳۷</p> <p>۵. فرهنگ آبادی‌های ایران، لطف‌الله مفخم پایان، ۱۳۳۹</p> <p>۶. خارک، در یتیم خلیج فارس، جلال آل احمد، ۱۳۳۹</p> <p>۷. مالک و زارع در ایران، آن. لمبتن، ۱۳۳۹</p>	<p>دهه ۳۰</p>
<p>۱. ده فشندک، هوشنگ پورکریم، ۱۳۴۱</p> <p>۲. قلعه شاهین، فریده عنایت، ۱۳۴۲</p> <p>۳. یوش، سیروس طاهباز، ۱۳۴۲</p> <p>۴. ایلخچی، غلامحسین ساعدی، ۱۳۴۲</p> <p>۵. جامعه‌شناسی روستایی: نظری در زندگانی اجتماعی روستائیان ایران، علی اکبر ترابی، ۱۳۴۲</p> <p>۶. دهکده شالما، طاهره اعتمادی، ۱۳۴۳</p> <p>۷. دانش و بینش در روستا، حسین میرکاظمی، ۱۳۴۳</p> <p>۸. خیابو یا مشکین‌شهر، غلامحسین ساعدی، ۱۳۴۴</p> <p>۹. تشکیل انجمن ده برای آبادانی روستا، ناصر الهی، ۱۳۴۴</p> <p>۱۰. دهکده ساعتلو، موریو انو، ۱۳۴۵</p> <p>۱۱. ده طالب‌آباد، جواد صفی نژاد، ۱۳۴۵</p>	<p>دهه ۴۰</p>

<p>۱۲. میکائیل آباد، مهدی طالب، ۱۳۴۶</p> <p>۱۳. ابراهیم آباد، موریو انو و مهدی طالب، ۱۳۴۶</p> <p>۱۴. حسن لنگی، علی اکبر نیک خلق، ۱۳۴۶</p> <p>۱۵. سه مقاله در زمینه‌ی شناخت جامعه روستایی ایران، اسمعیل عجمی، ۱۳۴۷</p> <p>۱۶. بررسی جمعیت و مسائل نیروی انسانی جامعه روستایی، حسین آسایش، ۱۳۴۷</p> <p>۱۷. کشاورزی و مناسبات ارضی ایران عهد مغول، ایلیا پولویچ پتروشفسکی، ۱۳۴۷</p> <p>۱۸. شش‌دانگی، اسماعیل عجمی، ۱۳۴۸</p>	
<p>۱. جامعه‌شناسی روستای ایران، خسرو خسروی، ۱۳۵۱</p> <p>۲. اصلاحات ارضی و واحدهای تولید جمعی کشاورزی، پورافضل و بهاء‌الدین نجفی، ۱۳۵۱</p> <p>۳. بنه، جواد صفی نژاد، ۱۳۵۱</p> <p>۴. جامعه روستایی (شناخت تیپ‌های روستا)، احمد زرفروشان، ۱۳۵۲</p> <p>۵. جامعه‌شناسی روستایی علی‌اکبر ترابی، انتشارات نوبل ۱۳۵۲</p> <p>۶. جامعه‌شناسی روستایی نصرالله پور افکاری، انتشارات نوبل، ۱۳۵۲</p>	<p>دهه ۵۰</p>

۷. جندق "روستائی کهن بر کران کویر"، نوشته عبدالکریم حکمت‌یغمائی، ۱۳۵۳	
۸. روستانشینی در ایران، کاظم ودیعی، ۱۳۵۴	
۹. نظام‌های بهره‌برداری در ایران، احمد اشرف، ۱۳۵۴	
۱۰. مقدمه‌ای بر آموزش و ترویج و توسعه شیوه‌های نوین در روستاها، اسماعیل شهیازی، ۱۳۵۴	
۱۱. آلمان: قصه هائی از روستا و صحرا، حسین میرکاظمی، ۱۳۵۵	
۱۲. پژوهشی در جامعه روستایی ایران، خسرو خسروی، ۱۳۵۵	
۱۳. نظام ارباب‌رعیتی در ایران، محمد سوداگر، ۱۳۵۶	
۱۴. کارائی کشاورزی دهقانی ایران، محمدسعید نوری نائینی، ۱۳۵۶	
۱۵. جامعه دهقانی، خسرو خسروی، ۱۳۵۷	
۱۶. علی‌اکبر نیک خلق، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی ایران، ۱۳۵۸	
۱۷. مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، باقر مؤمنی، ۱۳۵۹	

چنانکه جدول بالا نشان می‌دهد در ابتدای قرن ۱۴ خورشیدی جریان مطالعات روستایی هنوز آغاز نشده است. سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان و مطلع الشمس که پیش‌تر تألیف گردیده بودند شاخصه روستا نویسی به معنای روستا محوری و

توجه خاص به روستا را ندارد، بنابراین سال ۱۳۱۶ را می‌بایست شروع رسمی این رویکرد دانست. فراموش نکنیم که این سال آغاز روستا نویسی است و نه آغاز مطالعات روستایی به مفهوم اصلی آن، چرا که در دهه ۲۰ ما شاهد نگارش دو فرهنگ روستا هستیم که بیشتر در فضای فرهنگ‌نگاری قرار دارد تا در مفهوم مطالعات روستایی. همچنین اگر به ساختار حکومت و جامعه ایرانی در این دوره توجه کنیم تردیدی نمی‌ماند که طی دو دهه نخست، جامعه و ساختار سیاسی، هر دو در پی دستیابی به ثبات و تمرکز سیاسی هستند و فرصتی برای توجه به نقاط دورتر فراهم نمی‌شود. با آغاز دهه ۳۰ شرایط تغییر می‌کند، از یک‌سو آشنایی با علم روز دنیا و آگاهی از آنچه در جهان پیرامون می‌گذرد، و از سوی دیگر رسیدن ساختار سیاسی به ثبات نسبی سبب می‌شود تا دهه ۳۰ زمان شروع مطالعات روستایی باشد. نیمه دوم این دهه نگارش آثار به حدی می‌رسد که درک جریان مطالعات روستایی محسوس است. جلال آل احمد در این دوره بسیار فعال است و سه اثر منتشر می‌کند، در نتیجه اگر قرار باشد کسی را آغازگر این جریان بدانیم، آن فرد جز جلال نمی‌تواند باشد.

دهه ۴۰ دوره تک‌نگاری‌ها است. جز سه اثر جلال که در مورد آن سخن رفت، تمام تک‌نگاری‌های مهم روستایی در این دهه نگاشته شده‌اند. البته این دهه را می‌بایست دوره اصلاحات ارضی نیز دانست. اصلاحات ارضی به‌عنوان مهم‌ترین رخداد اجتماعی عصر پهلوی، نگاه بخش غالب جامعه را به سمت خود جلب کرد و بر همین اساس روستا معنا و اهمیتی تازه یافت. جامعه‌شناسی اگرچه در دهه بعدی اوج می‌گیرد، اما در این دوره و با انتشار کتاب‌های «جامعه‌شناسی روستایی: نظری در زندگانی اجتماعی روستائیان ایران» و «سه مقاله» به ترتیب نوشته علی‌اکبر ترابی و

اسمعیل عجمی آغاز می‌شود. رویکرد دیگر که آن نیز در این دوره شروع می‌شود آثار مؤلفان چپ^۵ با نگاه مارکسیستی- است که با کتاب پتروشفسکی کلید می‌خورد. دهه ۵۰ بدون تردید نقطه اوج مطالعات روستایی ایران است. نه پیش تر و نه پس از آن توجه به روستا تا این حد مدنظر نویسندگان و محققان واقع نشد. تعداد آثار افزایش چشمگیری یافت، نگارش‌ها اغلب عمق یافته و پژوهشی شدند و در نهایت جنبه علمی مطالعات روستایی تثبیت شد. اگرچه در پویایی این دوران پژوهشگران بسیاری نقش ایفا می‌کنند، اما خسرو خسروی را می‌توان چهره شاخص این دوره نامید. با وقوع انقلاب مطالعات روستا برای مدتی با فترت مواجه شد. البته انتشار آثاری پراکنده ادامه داشت تا میانه دهه ۶۰ که مصطفی ازکیا دو کتاب «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی ایران» و «جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی» را طی سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ و منصور وثوقی کتاب «جامعه‌شناسی روستایی» را در سال ۱۳۶۶ منتشر نمودند.

نکته‌ی ناخوشایند، نقش کمرنگ مورخان و محققان تاریخی در این کتاب‌شناسی است. باید اذعان کرد تاریخی‌ها در این میان سهمی کوچک‌تر داشتند و تنها در آثار افرادی چون تقی بهرامی و احمد اشرف می‌توان اطلاعاتی راجع به روستا و جامعه روستایی یافت. کتاب نظام ارباب‌رعیتی در ایران تألیف محمد سوداگر که در سال ۱۳۵۶ منتشر شد را می‌توان یک اثر تاریخی از مؤلفی غیر تاریخی دانست. در باب دیگر شاخه‌های علمی چون مردم‌شناسی روستایی، جمعیت‌شناسی روستایی و اقتصاد روستایی نیز سخن به میان نمی‌آید، چراکه در پژوهش‌های زبان فارسی این دوره هنوز جایگاه نیافته‌اند. در ادامه ضمن اشاره به تک‌نگاری به عنوان روشی پرکاربرد در روستا نگاری، به اختصار به سه رویکرد مهم علی می‌پردازیم.

تک‌نگاری: پیش از سخن در مورد رشته‌های علمی، در ابتدا لازم است به تک‌نگاری^۱ به‌عنوان یک چهارچوب مستقل در مطالعات روستایی اشاره شود. تک‌نگاری به معنای مطالعه یک موضوع مستقل (فرد، خانواده، نهاد، روستا و ...) است که با شناسایی دقیق آن می‌توان به یک‌رشته قواعد کلی دست‌یافت. سنت تک‌نگاری ریشه در جامعه‌شناسی دارد و پیشوایانی چون دورکیم، فردریک لوپله، دیمتری گوتسی، رابرت ردفیلد و کزرو آزنبگ این سنت را در جریان مطالعات روستایی پدید آوردند. (مندراس، ۱۳۸۴: ۱۹-۳۱۸) تک‌نگاری می‌تواند در هر کدام از حوزه‌های تاریخ، جغرافیا، جامعه‌شناسی و ادبیات نگارش شود، بنابراین تک‌نگاری ناظر بر چهارچوب اثر است و نه روش و رویکرد علمی. مهم‌ترین تک‌نگاری‌های مربوط به روستا عبارت‌اند از: اورازان، تات نشین‌های بلوک زهرا، خارک در یتیم خلیج فارس، ده فشدک، قلعه شاهین، یوش، ایلخچی، خیابو یا مشکین‌شهر، دهکده شالما، دهکده ساعتلو، طالب‌آباد، میکائیل‌آباد، ابراهیم‌آباد و حسن لنگی.

ادبیات: اهمیت ادبیات در روستا نویسی قابل انکار نیست و چنانکه گذشت تک‌نگاری‌های جلال آل احمد که نخستین آثار در زمینه روستا هستند در این حوزه نگاشته شده‌اند. پرداختن به روستا یا روستا نویسی در ادبیات جهان سابقه‌ی بیشتری نسبت به ایران دارد و "اینچه ممد" نوشته یاشارکمال و "پابره‌نه‌ها" نوشته زاهاریا استانکو را می‌توان به‌عنوان دو اثر برجسته در ادبیات روستایی جهان معرفی نمود. در ایران اگرچه در شعر فارسی^۲ و نیز در متون منثور قدیم، می‌توان گهگاه نکاتی مفید در مورد روستا یافت، اما این مقدار آن‌قدر اندک است که جریانی را

۱. Monography

۲. در حوزه شعر "حیدربابایه سلام" شهریار شناخته‌شده‌ترین اثر می‌باشد.

شکل نمی‌دهد. بنابراین به ادبیات معاصر، به‌ویژه داستان و رمان توجه خواهیم کرد. در این میان از جمله عوامل مؤثر، داستان نویسی اقلیمی بود که آن را می‌توان به نوعی پیش‌درآمد روستا نویسی دانست. آغاز داستان‌نویسی اقلیمی ایران، به «روزگار سیاه کارگر» (۱۳۰۵) نوشته احمد خداداده باز می‌گردد که توسط نویسندگان دیگر تداوم یافت. نیما یوشیج در سال ۱۳۰۹ رمان «مرقد امام» را نوشت و در دهه بیست آثار ارزشمندی همچون «گیله‌مرد» (۱۳۲۶) بزرگ علوی و «دختر رعیت» (۱۳۲۷) به آدین نگاشته شد. به تبع این‌گونه‌ی جدید، داستان‌نویسی روستایی در دهه سی گسترش یافت و در دهه چهل یعنی دوره گذار جامعه روستایی، به اوج رسید.

آثار نویسندگانی چون محمود دولت‌آبادی، غلامحسین ساعدی، جلال آل احمد، هوشنگ مرادی کرمانی، امین فقیری و هوشنگ گلشیری از جمله منابعی است که به بازسازی جامعه روستایی، روابط روستا-شهر و ساختار اجتماعی و اداری حاکم بر این بخش از جامعه می‌پردازد. نام بردن از افراد بالا نه به معنای ارزش‌گذاری بر آثار که صرف اشاره به شناخته‌شده‌ترین آن‌ها است، چنانکه میکائیل رسول‌زاده مؤلف کتاب «روستا نویسان» با معیارهای خود یازده اثر از یازده نویسنده روستا نویس ایران را مورد بررسی قرار داده که عبارت‌اند از "کلیدر" محمود دولت‌آبادی، "نفرین زمین" جلال آل احمد، "عزاداران بیل" غلامحسین ساعدی، "دهکده پرمال" امین فقیری، "خواستگاری" منصور یاقوتی، "بخارای من، ایل من" محمد بهمن‌بیگی، مجموعه داستان‌های صمد بهرنگی، "آن خمره و تنور" هوشنگ مرادی کرمانی، "خانواده میکائیل و اعقاب آن" مهین دانشور، آثار بهرام صادقی (به‌عنوان روستانویسی متفاوت) و "قدم بخیر مادر بزرگ من بود" یوسف علیخانی.

جامعه‌شناسی روستایی: پیش‌تر بیان شد که روستا شکل نخستین سکونت بشری و جامعه روستایی چکیده‌ای از تاریخ زندگی بشر است که به نسبت شهر بکرتر باقی مانده. بر همین اساس، جامعه‌شناسی روستایی مطرح شد تا ضمن توصیف ساختار جامعه روستایی، چگونگی شکل‌گیری آن را بررسی کند و پس از شناختی مستند راهکارهایی برای حفظ و توسعه آن بیابد. پیدایش جامعه‌شناسی روستایی را می‌بایست متأثر از تغییر رویکردی دانست که طی آن موضوعاتی مانند جمعیت، خانواده، خویشاوندی و همسایگی، آموزش و مذهب به طور برجسته‌ای بیش‌تر از قبل مورد توجه واقع شدند. بر این اساس هدف از جامعه‌شناسی روستایی به دست آوردن شناخت بیشتر از روستائیان و جامعه آنان است. این به بررسی انواع نظام‌های اجتماعی، گرایش‌ها، کارکردها، تحولات و کلیه امور جامعه روستایی می‌پردازد که شناخت آن می‌تواند مسیر توسعه روستایی را هموار نماید. از این‌رو از رشته‌های متعدد علوم اجتماعی چون جغرافیای انسانی، جمعیت‌شناسی، اقتصاد، تاریخ و آمار یاری می‌گیرد. از جمله مسائل مورد بررسی جامعه‌شناسی روستایی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ساختار جمعیت روستا، طبقات و قشرهای اجتماعی، نحوه معیشت و سطح زندگی آن‌ها، نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی جامعه روستایی، و فرهنگ روستایی. در ایران، پس از ادبیات نوبت جامعه‌شناسی بود تا به روستا توجه نماید و در این بخش خسرو خسروی پیشگام بود.

جغرافیای روستایی: رویکرد علمی مهم دیگر جغرافیای انسانی، به ویژه گرایش روستایی آن است. اگرچه جغرافیا نویسان در سده‌های نخست و میانه اسلامی به تألیف کتاب‌های مسالک و ممالک پرداختند، اما توجه به روستا به معنای جدید در رشته جغرافیا دیرتر از ادبیات و جامعه‌شناسی صورت بست. مطرح شدن

جغرافیای روستایی به عنوان یک رشته علمی را به دوره پس از جنگ جهانی دوم منتسب می کنند که با هدف شناسایی محیط طبیعی روستا و استعداد های آن در رابطه با معیشت انسان پدید آمد. جغرافیای روستایی اگرچه شاخه ای از جغرافیای انسانی است اما به شناخت روستا به صورت یک واحد کلی^۱ شامل محیط طبیعی و انسانی - می پردازد.

همان گونه که مشاهده می شود محققان رشته های مختلف هر کدام از زاویه دید خود و با رویکردی خاص و اغلب هدفمند به پژوهش و نگارش پیرامون روستا پرداخته اند. مطالعاتی که روستا را از منظر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مسائل مادی و مواردی از این دست در طول تاریخ و به ویژه دوره معاصر مورد توجه قرار داده اند. در این مسیر گذشته از گرایش ها و رویکردهای علمی، دو دسته آثار با شاخصه هایی متفاوت قابل ذکر است: آثار چپ با رویکرد مارکسیستی و سفرنامه های ایرانی و غیر ایرانی که در ادامه به اختصار مطرح می شوند و برای هر مورد، یک اثر به عنوان نمونه بررسی می گردد.

نویسندگان چپ: گفتمان چپ، جامعه روستایی ایران را بخشی از توده تحت ستم می دید و تلاش داشت تا به مانند روسیه تعریفی انقلابی از جامعه دهقانی ارائه دهد. نویسندگان فعال در زمینه مسائل روستایی و دهقانی در دو گروه نویسندگان ایرانی و روس^۱ یا به بیان درست تر شورویایی - قابل دسته بندی اند. از محققان روس می توان از یوگنی برتلس (۱۹۵۷-۱۸۹۰ م.)، ایگور دیاکونوف (۱۹۹۹-۱۹۱۵ م.)، نینا ویکتورونا پیگولوسکایا (۱۹۷۰-۱۸۹۴ م.) و ایلیا پتروشفسکی (۱۹۷۷-۱۸۹۸ م.)^۱

^۱I. P.Petroushevsky

نام برد. در این بین پتروشفسکی و اثر او کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول^۱ بیش از دیگر آثار مطرح است. این اثر با بررسی منابع و مآخذ پژوهش آغاز می‌شود و در ادامه از حمله مغول و کشتار و ویرانی‌های وسیع آن سخن می‌گوید، سپس به دوره غازان خان و موضوع بازسازی کشور می‌پردازد. پتروشفسکی مناسبات زمین‌داری و نظام کاشت و نیز مالیات‌های مرسوم را بررسی می‌کند و در انتها قیام سرداران را تشریح می‌کند. کتاب که توسط مترجم پرکار جریان چپ، کریم کشاورز ترجمه شده است به مانند دیگر آثار چپ‌گرا، از چهارچوب و واژه‌های مارکسیستی استفاده می‌کند و ضمن طبقاتی نشان دادن جامعه بر نقش انقلابی دهقانان تحت ستم تأکید می‌کند. علی‌رغم آنچه گذشت، این کتاب از منابع مهم تاریخ ایران به شمار می‌آید.^۲

در بین نویسندگان چپ ایرانی باقر مؤمنی چهره‌ای شاخص برای بحث حاضر است. مؤمنی به عنوان یک مخالف جدی برای سیاست‌های دوره پهلوی از جایگاه معترض می‌نویسد و گزارش‌های او اگرچه اغراق‌آمیز که منفی‌نگرانه است. او تلاش دارد اوضاع جامعه را تیره نشان دهد و بر این اساس در کتاب مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران^۳ نکات و نمونه‌های منفی را بازتاب می‌دهد. این‌گونه مؤمنی از عده‌ای سخن می‌گوید که از شدت فقر و بیچارگی، زن و مرد مانند بشرهای اولیه

۱. پتروشفسکی، ایلیا ۱۳۴۴. کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، تهران:

مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

۲. برخی از شرق‌شناسان نامدار غربی چون ریچارد فرای و برنارد لوئیس پتروشفسکی را برای پژوهش‌های دانشورانه‌اش ستوده‌اند و گروهی دیگر چون رابرت اروین او را کمونیستی خشک‌اندیش دانسته‌اند. میخائیل رودیونوف، که شخصاً پتروشفسکی را می‌شناخته، می‌گوید او همانند اغلب شرق‌شناسان هم‌نسل‌اش دلبستگی ژرفی به مسیحیت ارتدکس داشت و برای حفظ جان به همدلی با کمونیست‌ها تظاهر می‌کرد.

۳. باقر مؤمنی، مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران: پیوند، ۱۳۵۹.

«لخت و عور» به سر می‌برند، (مؤمنی، ۱۳۵۹: ۶۲؛ ارجاع به اطلاعات ۱۳۳۲/۰۵/۱۸) و یا از مردمی که شب و روز در صحرا کیسه به دوش ملخ جمع می‌کنند و با آب می‌جوشانند و می‌خورند (همان: ۶۲؛ ارجاع به آزادی دهقان صفحه ۱۲). گزارش دیگر او در مورد برخی شهرهای تابع کرمان است که «از فرط بی‌غذایی به کشتارگاه‌ها رفته خون دام‌ها را گرفته می‌جوشانند و از فرط جوع می‌خورند». (همان: ۶۱؛ ارجاع به اطلاعات ۱۳۳۲/۰۶/۱۷) به اعتقاد او در نتیجه فقر غذایی و بدی مسکن، مردم روستا خیلی آسان بیمار می‌شوند و آسان از پا می‌افتند در حالی که از دارو و دکتر چندان خبری نیست. (همان: ۶۳) به‌طور کلی در گزارش او جامعه روستایی ایران دوره پهلوی شامل «جمعی بدبخت، بی‌لباس، بی‌غذا، مریض و عقب‌مانده» می‌شد و این روزگار واحدی بود که ستون فقرات و اکثریت مردم کشور را تشکیل می‌داد. (همان: ۳۸۴)

سفرنامه نویسان: سفرنامه نویسی در میان ایرانیان به اندازه غربی‌ها مرسوم نبوده است، همچنین ایرانیان نگاه متفاوتی داشته‌اند و اغلب مواردی متفاوت از آنچه را که یک اروپایی مشاهده می‌کرده، دیده و گزارش نموده‌اند. برای مثال اگر بنای تحقیق راجع به وضع حمام‌ها یا کاروانسراها را داشته باشیم سفرنامه‌های ایرانی اطلاعات بسیاری در اختیار محقق قرار می‌دهند، اما از وضع عمومی جامعه - به ویژه روستاییان - چندان سخنی در این آثار نمی‌توان یافت. از نمونه‌های شاخص در این زمینه دو اثر پیشین یعنی سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان و مطلع الشمس است که حاصل مشاهدات اعتمادالسلطنه از شهرها و روستاهای مسیر تهران به مشهد بوده و پیش‌تر در مورد آن صحبت شد. از جمله آثار دیگر می‌توان به سفرنامه حاج سیاح، سفرنامه حاج علی‌خان اعتمادالسلطنه، سفرنامه مکه مراد میرزا

حسام السلطنه، روزنامه سفر مشهد، مکه و عتبات حسن موسوی اصفهانی و سفرنامه میرزا داود وزیر وظایف اشاره کرد.

آثار سفرنامه نویسان غیر ایرانی را می‌توان سکه‌ای دو رو دانست که یک رویش مفید و مهم است و روی دیگرش سطحی و پرمسئله. از طرفی جای تردید نیست که برای تاریخ اجتماعی ایران دوره اسلامی سفرنامه‌ها که اغلب توسط غیر ایرانیان نگاشته شده‌اند، مهم‌ترین منابع به شمار می‌آیند، اطلاعاتی که در این آثار یافت می‌شود را در کتاب‌های وقایع نگارانه درباری نمی‌توان یافت. اما از سوی دیگر این آثار بدون غرض نبوده و از زاویه دید یک مسافر نوشته شده که شناخت درستی از جامعه ایرانی نداشته و صرفاً مشاهدات خود را به نگارش درآورده است. بر این اساس پیش‌داوری و تعمیم‌های غیرعلمی در سفرنامه‌ها کم نیست. آن‌گونه که جان ویشارد در اثر خود بیست سال در ایران می‌نویسد: «تا آنجا که من تجربه کرده‌ام در ایران طبقه متوسط وجود ندارد، مردم یا فقیرند یا غنی». (ویشارد، ۱۳۶۳: ۹۱) در نمونه‌ای دیگر ویلیام. گرین. میلر که پس از اصلاحات ارضی از مناطق روستایی زنجان بازدید کرده در تک‌نگاری خود تحت عنوان حسین آباد زنجان آورده است که «دهقانان عادی به شهر رفت‌وآمد نداشتند و حتی دهقانان تواناتر هر چهار ماه یک بار به قزوین می‌روند و هرچه نیاز دارند تهیه می‌کنند». (Green Miller, 1964:485) آپتون نیز در مورد جامعه روستایی معتقد است که محیط آن‌ها را تدافعی بار آورده و بر همین اساس «مرموز، محتاط و بدگمان» اما نسبت به غریبه‌ها «مهمان‌نواز، مسئول و مهربان» بودند. (آپتون، ۱۳۵۹: ۱۱۳-۱۱۲) مثال‌ها خود به اندازه کافی گویا هستند، سفرنامه نویسان مشاهدات گذرای خود را به عنوان الگوهایی کلی بازنمایی می‌کنند. آنان معمولاً رفتار یک روستایی در نقطه‌ی زمانی و مکانی خاص را به

جامعه روستایی ایران در کل تاریخ تعمیم می‌دهند و این ضعف کوچکی نیست. نکته طنزآمیز در این باره نوشته فوروکاوا است «چنین نیست که آتشی بیفروزند تا آب حمام [یا خزینه] را گرم کنند. در بالای حمام و هم سطح زمین و در اطراف آن زباله و پهن انباشته شده است تا حرارت آن به آب خزینه حمام منتقل شود». نویسنده گرمای آب را حس کرده و سوخت‌های انبار شده در اطراف حمام را دیده است، اما متوجه ساختار تون حمام نشده و گزارشی نادرست ارائه کرده است. (فورو کاوا، ۱۳۸۴: ۲۷۰)

نتیجه

مطالعات روستایی تحت تأثیر گسترش جهانی علوم و با توجه به نیازهای جامعه و ساختار سیاسی برای توجه به روستا پدید آمد و در زمان اصلاحات ارضی اوج گرفت. شروع رسمی روستا نگاری را می‌بایست سال ۱۳۱۶ ش. و آغاز مطالعات روستایی را ابتدای دهه ۴۰ دانست. بنابراین از یک سو مطالعات روستایی در ایران تجربیات بسیاری را پشت سر گذاشته و تا حد زیادی تکامل یافته است، از سوی دیگر هنوز در برخی زمینه‌ها نوپا محسوب می‌شود و نیاز به زمان دارد تا استحکام لازم را پیدا کند. اگر قرار باشد در یک نگاه کلی به موضوع روستا نگاری بپردازیم باید گفت این جریان در ادبیات آغاز شد و با جامعه‌شناسی روستایی ساختار علمی یافته تثبیت گردید. محققان جغرافیای روستایی در این مدت پژوهش‌های بسیاری نگاشته‌اند و تنها در رشته تاریخ است که هنوز جریان یا گرایشی مختص به روستا پدید نیامده. پژوهش‌های محققان تاریخی‌ای چون یوسفی فر و اسماعیل‌زاده فتح‌بابی در این زمینه بوده و با توجه به گرایش دانشجویان تاریخ به موضوعات روستایی

می توان امیدوار بود در آینده‌ای نزدیک شاهد رونق مطالعات تاریخی روستا و جامعه روستایی باشیم.

کتاب‌نامه

کتاب‌ها:

- آل احمد، جلال، ۱۳۳۳، اورازان. تهران: انتشارات زمان، ۱۳۳۳.
- آل احمد، جلال، ۱۳۳۷، تات نشین‌های بلوک زهرا.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۳، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۸، «تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران»، توسعه محلی (روستائی-شهری). دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۸، صص ۳۳-۷.
- اعتمادالسلطنه، حاج علیخان ۱۳۷۷، سفرنامه حاج علیخان اعتماد السلطنه، به کوشش علی قاضی عسکر، تهران: موسسه فرهنگی و هنری مشعر.
- اهلرس، اکارت، ۱۳۸۰، ایران؛ شهر، روستا، عشایر، ترجمه عباس سعیدی، تهران: منشی.
- برنارشاریه، ژان، ۱۳۷۳، شهرها و روستاها، ترجمه سیروس سهامی، تهران: نشر نیکا.
- بهروان، حسین، ۱۳۹۰، جامعه شناسی روستایی، تهران: جامعه شناسان.
- پارسا، بیژن، بی تا، سیمای روستای ایران، بی جا: بی نا.
- تاورنیه، ژان باتیست، ۱۳۸۹، سفرنامه تاورنیه، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر.

- چریکوف، مسیو، ۱۳۵۸، سیاحت‌نامه مسیو چریکوف، ترجمه آبکار مسیحی به کوشش علی اصغر عمران، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- حسام السلطنه، مرادمیرزا، ۱۳۷۴، سفرنامه مکه، به کوشش رسول جعفریان، تهران: موسسه فرهنگی و هنری مشعر.
- خسروی، خسرو، ۱۳۵۱، جامعه شناسی روستای ایران، تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- سوداگر، محمد، ۱۳۵۶، نظام ارباب و رعیتی در ایران، تهران: گلشن.
- شاردن، ۱۳۷۲، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- عجمی، اسمعیل، ۱۳۵۲، شش‌دانگی، تهران: توس.
- فوروکاوا، نوبویوشی، ۱۳۸۴، سفرنامه فورو کاوا، ترجمه هاشم رجب‌زاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- لمتون، آن. ک. س، ۱۳۹۴، اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه مهدی اسحاقیان، تهران: امیر کبیر.
- لمتون، آن. ک. س، ۱۳۴۵، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لهسایی زاده، عبدالعلی، ۱۳۶۹، تحولات اجتماعی در روستاهای ایران، شیراز: نوید شیراز.
- مندراس، هانری، ۱۳۸۴، جوامع دهقانی، عناصر یک نظریه دهقانی، ترجمه پیروز ایزدی تهران: سروستان.
- موسوی اصفهانی، حسن، ۱۳۹۲، روزنامه سفر مشهد، مکه و عتبات، به کوشش رسول جعفریان، تهران: موسسه فرهنگی و هنری مشعر.

مؤمنی، باقر، ۱۳۵۹، مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران: پیوند.
میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵، سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان، به کوشش مسعود
گلزاری، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

نلسون، بی اچ، ۱۳۶۸، مسائل جامعه شناسی روستایی، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران:
روزبهان.

ودיעی، کاظم، ۱۳۴۸، مقدمه بر روستاشناسی ایران، تهران: انتشارات موسسه آموزش
و تحقیقات تعاونی.

ودיעی، کاظم، ۱۳۵۴، روستا نشینی در ایران، تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر.
وزیر وظایف، داودبن علینقی، ۱۳۷۹، سفرنامه میرزا داود وزیر وظایف، به کوشش
علی قاضی عسکر، تهران: موسسه فرهنگی و هنری مشعر.

ونوتی، برونوبن و جارت، بتوگال و نیوبای، هوارد، ۱۳۵۵، «جامعه شناسی روستایی
در جهان معاصر»، ترجمه نعمت الله تقوی، نگین، بهمن ۱۳۵۵ - شماره ۱۴۱، صص
۳۱-۳۴.

هوشور، زردشت، ۱۳۵۷، مبانی شناخت روستا، تهران: سازمان انتشارات اشرفی.
هوگلاند، اریک ج، ۱۳۹۲، زمین و انقلاب در ایران، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران:
پردیس دانش.

یوسفی فر، شهرام، ۱۳۹۰، شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران، تهران:
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

یوسفی فر، شهرام، ۱۳۸۹، «الگوی پیدایش شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران»، دو
فصلنامه تاریخ ایران، بهار ۸۹، ش ۶، صص ۱۷۰-۱۴۵.

یوسفی‌فر، شهرام، ۱۳۸۷، «تأملاتی در زندگی شهری و روستایی سده‌های میانه ایران»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، آبان ۸۷، ش ۱۲۶، صص ۲۵-۸.

Azkiya Mostafa & Hooglund Eric, 2011, "Rural Development in Contemporary Iran 1950-2010", International Journal of Social Sciences, Vol.1, No.3.

Green Miller, William, 1964. Hosseinabad: A Persian Village, Middle East Journal, Vol. 18, No. 4 (autumn, 1964), pp. 483-498.

Hooglund, Eric, 1982, "Rural Iran and the Clerics", MERIP Reports, No. 104, (Mar. - Apr., 1982), pp. 23-26.

